

شاه‌درفت

اطلاعات

• نماینده کان، مجلسین
• اعضای شورای اساطت
• خارج شوند
• کشاورزان بسو نکارند
• جلوی خروج کدام
• را بگیرند
• از آن جاوی بیرون نروند
• سلاحهای «وینکار» بگیرند
• بانکهای اسلامی
• بکنند



آمده ام که بزرگواری شما را حفظ کنم امام خمینی

شب اول محرم ۱۳۹۹ (دهم آذر ماه ۵۷)

با حلول ماه شهادت و افتخار فریاد الله اکبر مردم با غرش تانکها و رگبار مسلسلها در هم آمیخت و بر آسفالت خیابا نها لاله شهادت دمید . پیام رهبر کبیر انقلاب اسلامی به مناسبت کشتار حلول محرم در همان روز محرم صادر گردید: ... این جانیان غافل از این هستند که ملت به این سلاحهای زنگ زده با تمسخر می نگرد ، و این ملت ، شیعه بزرگترین مرد تاریخ است که با تنی چند نهضت عظیم عاشورا را بر پا نمود . امام در این پیام سربازان را به ترک سربازخانه ها به عنوان یک تکلیف شرعی فرا خواندند.

تاسوعا و عاشورای سال ۵۷

راهپیمائی عظیم مردم در این روز افتخار آفرین تاریخ شیعه با شعار واحد " الله اکبر خمینی رهبر " نه شرقی ، نه غربی جمهوری ایلامی صفحه پر افتخار دیگری بر صحیفه گلگون انقلاب اسلامی " ضربه سرنوشت سازی بود که کالبد رژیم را از حاکمیت ظاهری تهی کرد. "

۱۱ محرم سال ۵۷ شمسی

امام در پیام خود به مناسبت تاسوعا و عاشورا راهپیمائیهای عظیم این دو روز را به عنوان همه پرسی مجددی شمردند که برای هیچکس ابهامی باقی نگذاشته است.

۱۳ دیماه ۵۷

رای اعتماد مجلس به شاپور بختیاری

انتصاب بختیار به نخست وزیری در واقع سعی شاه در ابقای حکومت خویش با کمک گیری از جبهه ملی بود . سران چهار کشور استعماری آمریکا ، انگلیس ، فرانسه و آلمان در نشست خویش جهت حل بحران ایران تصمیم به حفظ رژیم شاه از طریق بختیار گرفتند و کارتر در این باب توسط دولت فرانسه به

کتیبه

امام پیغام داد که اگر دولت بختیار پذیرفته نشود در ایران حمام خون به راه خواهد افتاد . امام در پاسخ دولت بختیار را غیر قانونی و نظام سیاسی ایران را موکول به رای ملت اعلام نمودند .

۲۶ دیماه ۵۷ فرار شاه

تمکین شاه در مقابل اراده خلل ناپذیر امت پس از آن همه جنایات رژیم موجی از شادی و مسرت در کشور به وجود آورد و پرچمهای الله اکبر جای مجسمه های خرد شده شاه نصب گردید . جرائد تهران روز رفتن شاه را طلوع آزادی و بهار آزادی نام نهادند.

اربعین حسینی در سال ۵۷

در راه پیمائی عظیم اربعین که از طرف جامعه روحانیت مبارز برنامه ریزی شده بود میلیونها نفر در تهران و شهرستانها شرکت کردند و در قطعنامه پایانی خواستار برقراری جمهوری اسلامی و تشکیل شورای انقلاب ، حفظ ماهیت اسلامی انقلاب ، ادامه تظاهرات تا پیروزی کامل و کناره گیری اعضای شورای سلطنتی شدند .

اشغال فرودگاه مهر آباد

بختیار با استفاده از آخرین توان خود دستور اشغال فرودگاه را به منظور جلوگیری از ورود امام به وطن صادر نمود و طی نامه ای از امام خواستار دیدارشان در پاریس شد . امام رسماً اعلام فرمودند تا بختیار استعفا نکند وی را نخواهند پذیرفت .

هفتم بهمن ۵۷

تظاهرات جهت اعتراض به اقدام بختیار

در این روز در تظاهرات گسترده در تمام ایران چندین نفر به شهادت رسیدند و سرانجام بختیار تحت فشار آرای مردم بازگشت امام خمینی (ره) را بالاجبار بلامانع اعلام کرد .

نهم بهمن ۵۷

در این روز نیز تظاهرات خونین مردم در تهران و چند شهر جمعی شهید و بسیاری مجروح به جای گذاشت و صدای رگبار مسلسلها ساعتها به گوش می رسید. آیت الله طالقانی در تحسن روحانیت مبارز شرکت کردند و دو میلیون شهرستانی برای استقبال از امام خمینی در تهران به بست نشستند.

پنج شنبه ۱۲ بهمن ۵۷

بوی گل سوسن و یاسمن آمد.

امام عزیز روز پنجشنبه ۱۲ بهمن پس از سالیان دراز دوری از وطن و محرومیت مردم از حضور رهبر عالیقدر، با ارمغان نوبهار آزادی در زمستان، پیروزمندانه به میهن بازگشتند. صف سی و سه کیلومتری استقبال کنندگان با شرکت میلیونها انسان امیدوار در تاریخ سابقه ندارد. اولین راه امام مهربان ما میعاد شهداء، بهشت زهرا بود.

هفدهم بهمن ۵۷

تشکیل دولت موقت

امام در فرمان خود مهندس بازرگان را "بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص" مامور تشکیل دولت موقت نمودند. در حالی که بختیار به عنوان نخست وزیر رژیم شکست خورده، در تلاشی مذبحخانه از طرف ژنرال هويزر فرمانده پیمان آتلانتیک که در مدت اقامت یک ماهه خود در ایران تحت عنوان ماموریت محرمانه توطئه می کرد تقویت و تشویق می شد.

جمعه ۲۰ بهمن

طنین بانگ رسای الله اکبر از بامها

شب هنگام ناگهان طنین بانگ رسای الله اکبر از بامها آسمان زمستانی تهران را عطر آگین کرد. مردم پس از دریافت این خبر که لشکر گارد شاه باتانک وادوات زرهی به نیروی هوایی وافسران به انقلاب پیوسته حمله وتیر اندازی کرده است از همه جا به طرف پادگان نیروی هوایی به راه افتادند و افراد نیروی هوایی با مشاهده مردمی که به حمایت و پشتیبانی آنان شتافته بودند درهای پادگان را بروی آنها گشودند سنگر بندی خیابانی و بسیاری از کلانتریها و پاسگاههای ژاندارمری و قرارگاههای ارتش به تصرف مردم مسلح در آمد و امام نیرو های گارد را که همچنان به درگیری مسلحانه با مردم ادامه میدادند تهدید به اعلام جهاد عمومی نمود در این درگیریها و حملات تانکهای گارد صدها نفر به شهادت رسیدند و هزاران نفر مجروح شدند

شنبه ۲۱ بهمن ۵۷

سرانجام مراکز نظامی و انتظامی سقوط کرد و لشکر گارد در هم شکسته شد و ارتش باتوجه به اعلام وفاداری بسیاری از افسران و مسلح شدن و آمادگی مردم برای یک نبرد خونین اعلام بی طرفی نمود اما رحیمی فرماندار نظامی تهران در این روز اعلام حکومت نظامی کرد و شب بیست و دوم بهمن را جهت اجرای کودتا و به راه انداختن حمام خون انتخاب کرد. رادیو که در اشغال فرماندار نظامی بود اعلام کرد که در

ساعت ۴ بعد از ظهر حکومت نظامی برقرار است واحدی حق عبور و حضور در معابر را ندارد این مقاومت مذبح حانه فرمانداری در حقیقت کاربرد آخرین حربه امریکا بود و باز ندای رهبری امام عزیز به صورت اعلامیه به دست مردم جان بر کف رسید: ...اعلامیه امروز حکومت نظامی خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ وجه به آن اعتنا نکنند. برادران و خواهران عزیزم هراس به خود راه ندهید که به خواست خداوند تعالی حق پیروز است اعلامیه قاطع امام حجت را بر همه تمام کرده بود، مردم که با روح شجاعت موید بودند با اعلامیه امام عزیزشان مصمم تر از همیشه یکباره به خیابانها ریختند و به سوی اقامتگاه قائد بزرگوارشان به راه افتادند و گروهی نیز به منظور حمایت و پشتیبانی از نیروی هوایی عازم مقر اصلی آن شدند.

شنبه ۲۲ بهمن ۵۷

در این شب به غایت عظیم که صبحگاه پیروزی را در پی داشت بسیاری از مردم تهران در پشت سنگرهای خود به پاسداری از دستاوردهای پرداختند و در برابر بازمانده نیروهای مسلح فرماندار نظامی تهران به دفاع مسلحانه پرداختند. حالاتی که در آن ساعات سرنوشت ساز و در دل شب در سرمای زمستان وطن مان بر رهروان راه نور مستولی



بود از کلام و بیان خارج است و تنها از چشیده ها باید پرسید که چه چشیده اند.

۱۱ بهمن و انفجار نور

سرانجام روز خدا فرا رسید. بیست و دوم بهمن سال ۱۳۵۷ مردم تهران هزاران هزار به پادگاهها حمله کردند و با درگیریهای مسلحانه خونین و تقدیم هزاران لاله سرخ به مقدم پاک نصر الهی و فتح).

من می نویسم

تو مواظب باش

فردی را که کاملاً به من نزدیک شده بود بغل گوشم احساس کردم در سکوت مرگباری که حاکم شده بود صدای نفس های او را می شنیدم - صدای برداشته شدن یک قدم هم بگوش رسید و من در کنار خودم افسر جوانی را دیدم که چشم به کلمات نوشته من دوخته بود - بی اختیار یک قدم عقب رفتم ، افسر جوان دستش را رو کلت کمری اش گذاشته و همچنان نوشته ها را زیر نظر داشت ، بعد از چند لحظه بی آنکه بطرف من برگردد آهسته ، ولی شمرده گفت : حواست به نظامی های دور میدان باشد اگر به طرف بالا حرکت کردند خبرم کن و اضافه کرد تو مواظب باش من می نویسم!

و سپس قلم را از من گرفت و با مهارتی چشمگیر داخل سطل زد و با خطی بسیار خوش که خبراز تسلط او به هنر خطاطی می داد شعار مرا تکمیل کرد! دیگر اثر ندارد ، حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد . بعد از سالها هنوز هم قامت افراشته آن افسر جوان که بعد از دادن قلم به دستم راهش را به سمت میدان ادامه داد از خاطرم محو نمی شود.

می گفت ! علیرغم استقرار حکومت نظامی و منع رفت و آمد درشب ، سطل رنگ و قلم موی نسبتاً پهنی را که داشتم بر داشتم و از خانه بیرون زدم ، عقربه های ساعت دو و نیم بامداد را نشان میداند . محله خودم را پشت سر گذاشتم و وارد یکی از خیابانهای اصلی شدم ، حدود پنجاه متر پائین تر چند نظامی آتشی روشن کرده دور آن حلقه زده بودند و ظاهراً گرم صحبت بودند . فرصت را غنیمت شمردم و به دیوار مناسبی نزدیک شدم سطل را زمین گذاشتم و شروع به خطاطی یکی از شعارهایی که مردم در روزهای اوج گیری انقلاب سر می دادند کردم اولین ، دومین و سومین کلمه های شعار مورد نظرم را نوشتم. توپ ، تانک ، مسلسل. آنچنان گرم کار خودم شدم که فراموش کردم در چه موقعیتی هستم و زمانی بخودم آمدم که سنگینی حضور شخصی دیگر روی دیوار سایه انداخت همانطور که ایستاده بودم خشکم زد ، آب تلخ دهانم را قورت دادم زیرا میدانستم وقتی کسی در زمینه اینگونه تبلیغات انقلابی دستگیر شود چه بلایایی به سرش می آید . در یک لحظه از خیالم گذشت که مرا گرفته و زیر شکنجه به قتل رسانده اند و هیچیک از افراد خانواده و فامیل از سرنوشت و حتی جسد اطلاع ندارند. سایه بزرگتر شد و من

کتبیه

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، خبری

زمستان ۱۳۹۱ / شماره هفتم

۱۲

آغاز محرم خونین ۱۳۴۲

تهدید ساواک

با فرارسیدن محرم، امام به وعاظ و خطباء دستور دادند خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهند و در مراسم نوحه خوانی و سینه زنی از مصیبت‌های وارده به اسلام و مراکز فقه یاد کنند و تاکید کردند که در این ایام سکوت کردن به منزله تایید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام است. ساواک به دنبال این دستور امام عده ای از وعاظ را احضار و مجاز بودن سخنرانی آنان را مشروطه به رعایت شروط زیر کرد:

- ۱- علیه شخص اول مملکت سخن نگوئید.
- ۲- علیه اسرائیل سخنی به میان نیاورید.
- ۳- مرتب به گوش مردم نخوانید که اسلام در خطر است.

عاشورا در خرداد ۱۳۴۲

اوج شعارهای ضد شاه - سخنرانی تاریخی امام

خطباء و وعاظ طی دهه محرم گفتنی‌ها را بیان کرده بودند. در این روز جمعیت عظیمی از مردم تهران با شعارهای کوبنده خمینی خدا نگهدار تو، ملت طرفدار تو- خمینی بت شکن خدائنگهدار تو، بمیرد بمیرد دشمن خونخوار تو در خیابانها به تظاهرات پرداختند. پس از سخنرانی تاریخی امام راحل (ره) کماندوهای رژیم در دل شب به بیت ایشان حمله کردند و امام را که برای اقامه نماز شب برخاسته بودند دستگیر و با اتومبیلی تحت الحفظ به تهران به پاسگاه افسران و سپس به پادگان قصر منتقل کردند.

۱۵ خرداد ۴۲

بدون شک پانزده خرداد ۴۲ در محرم... سرنوشت سازترین روز نهضت اسلامی به قیادت امام راحل بود. کوبندگی شعارها با فریاد "یا مرگ یا خمینی" و "مرگ بر شاه" خیابانهای تهران و شهرستانها را به لرزه در آورده بود. جمعی از مردم به اداره تسلیحات ارتش و پلیس به قصد مسلح شدن حمله بردند و جمعی نیز به کاخ شاه رهسپار شدند و با رگبار گلوله مامورین محافظ به خاک و خون کشیده شوند و کفن پوشان ورامین که به اعتراض به دستگیری رهبرشان به سمت تهران در حرکت بودند با فجیع ترین شکلی قتل عام شدند. قیام پانزده خرداد به دستور مستقیم شاه به فجیع ترین شکلی سرکوب شد. اگر در آن زمان تحلیل گران سیاسی از همنوایی شوروی با آمریکا ابراز شگفتی می کردند اکنون پس از آنکه بقایای کمونیسم به پیش بینی داهیانه امام راحل به موزه های تاریخ سپرده شد خط و ربط های



قدرتهای بیگانه در فاجعه پانزده خرداد آشکار شده است.

۱۳ آبان ۴۳

رژیم که در برابر مخالفت امام با این قانون ننگین دچار ضربه سختی شده بود و دیگر ادامه حضور ایشان را نمی توانست تحمل کند ماموران ساواک را شبانه به خانه ایشان گسیل داشت. امام برای بار دیگر دستگیر و به تهران منتقل و صبح روز ۱۳ آبان یکسره از طریق فرودگاه مهر آباد به ترکیه اعزام و عصر همان روز فرزند امام شهید حاج مصطفی خمینی نیز دستگیر و روزانه قزل قلعه شد.

اول بهمن ۴۳

در این روز حسنعلی منصور نخست وزیر وقت که تصویب کاپیتولاسیون توسط او انجام گرفت توسط محمد بخارایی عضو هیاتهای متولفه اسلامی اعدام انقلابی شد.

۱۰ خرداد ۱۳۴۴

اعدام گروه محمد بخارایی

در این روز شش تن از گروه محمد بخارایی (که منصور را اعدام انقلابی کرده بود) اعدام شدند. این اقدام رژیم نشان دهنده ترس و وحشت او از مبارزه اسلامی بود.

یاد در بهانه قتل بزرگ عاشورا زنده و جاوید بماند.

انتقال امام از ترکیه به عراق

وضع بحرانی نظام و عدم تمایل ترکیه به ادامه زندانبانی، رژیم را مجبور کرد از عراق تقاضا کند که با انتقال ایشان به آن کشور موافقت کند. ورود امام ابتدا به صورت ناشناس انجام گرفت. مردم کاظمین و سامره با پذیرائی گرمشان از امام استقبال کردند.

۲۷ فروردین ۱۳۴۶

نخستین اعلامیه امام از نجف اشرف

تیر اندازی به سوی شاه در کاخ مرمر در ۲۱ فروردین ۴۴ که نمودار بی ثباتی رژیم بود شاه را نگران آینده ولیعهد کرد که در آن زمان بیش از ۵ سال نداشت و لذا تصمیم گرفت که فرح رابر خلاف قانون اساسی به عنوان نایب السلطه معرفی کند تا در صورت لزوم تا زمان بلوغ ولیعهد بر تخت سلطنت بنشیند و به همین منظور مجلس موسسان به صورت فرمایشی تشکیل شد و قانون اساسی را طبق نظر شاه تغییر داد. امام در اولین اعلامیه خود خطاب به حوزه علمیه اساتید و طلاب و عموم مردم را به پایداری دعوت کرد و در تشجیع مردم به مبارزه اعلام داشت که این "شمشیرهای کند عاریتی به غلاف خواهد رفت" این اعلامیه و نامه سرگشاده امام به هویدا نخست وزیر وقت که در آن پرده از جنایات رژیم برداشته می شد با هشدار امام به گردانندگان نظام ستمشاهی در یک منتشر گردید و به دنبال آن عده ای از نیروهای مبارز اعم از روحانی دستگیر شدند.

۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۷

با پیروزیهای چشمگیر سیاسی امام در سال ۴۶، مرگ مشکوک جهان پهلوان تختی، جریانهای جنگ شش روزه و تاجگذاری شاه، رژیم را بر آن داشته که کنفرانس جهانی حقوق بشر را در تهران برگزار کند.

۳۰ مرداد ۱۳۴۸

به آتش کشیدن مسجد الاقصی اولین قبله مسلمین به دست صهیونیستها در این روز خشم شدید مردم را دامن زد و شاه در بیانیه ای با تظاهر به داغداری پیشنهاد کرد که به سهم خود مسجد الاقصی را به عهده بگیرد در حالی که موضع گیری بیانیه رسمی وزارت خارجه آمریکا در این باب از موضع گیری شاه قویتر بود

با رسیدن خبر در گذشت مشکوک حاج آقا مصطفی فرزندان ارشد امام روحانی دانشمند و پرهیزگار و مبارزه در نجف که به فرمایش امام راحل امید اسلام بود اوضاع کشور به شدت بحرانی شد. امام شهادت فرزند دلبنده را به عنوان لطف الهی قلمداد کرد. و در حقیقت باید این شهادت مظلومانه را اولین جرقه روشن شدن شعله های انقلاب دانست

۱۸ دی ماه ۵۶

پس از تظاهرات و اعتراضات شدید مردم نسبت به این هتاکي و بی حرمتی، اجتماع بزرگ مسجد فیضیه قم باشعارهایی چون "مرگ بر حکومت پهلوی و" درود بر خمینی" با حمله پلیس به خیابان های اطراف کشیده شد.



۱۹ دی ماه ۵۶

تعطیل بازار و مدارس و تظاهرات عظیم معترضین وبه خاک و خون کشیده شدن بسیاری از مردم و انعکاس وسیع این کشتار در داخل وخارج از کشور به دستور حضرت امام حوزه علمیه نجف یک هفته تعطیل شد.

۲۹ بهمن ۵۶

با برگزاری بزرگداشت مراسم چهلم شهدای قم صفحه پرافتخار جدیدی بر شکل و سازمان یابی مبارزات امت مسلمان ایران مقابل استکبار ودست نشان دهنده هایشان آغاز شد روحانیت مبارزه به مثابه پیشگام سازماندهی مبارزات را به عهده گرفتند خشونت پلیس بر خشم مردم افزود در چندین شهر سینماها مشروب فروشیها ساختمان های حزب رستاخیز مجسمه های شاه و... مورد حمله ی مردم قرار گرفت.

سوم و پانزدهم شعبان در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی

نخستین منشور انقلاب اسلامی در آستانه ماه ضیافت خدا و رحمت او توسط رهبر شیعیان جهان صادر و در وحدت بی نظیری در ایام ولادت با سعادت حضرت امام حسین بن علی سرور شهیدان عالم و حضرت ولی عصر (عج) متجلی شد.

اول رمضان در سال ۱۳۵۷

فاجعه کشتار مردم مبارز اصفهان

... پیام اول رمضان امام را در پی داشت: "تا حکومت این دودمان ستم پیشه برقرار است، فاجعه به دنبال و فاجعه مصیبت پشت سر مصائب و حادثه به دنبال حوادث عظیم، ادامه خواهد داشت"

۲۱ رمضان سال ۵۷

راه پیمایی بزرگ در سراسر کشور در این روز اعتراض به جنایت حادثه دلخراش سینما رکس آبادان سرانجام منجر به سقوط دولت آموزگار شد و شریف امامی بازیگر و فراماسونر کهنه کار دولت آشتی ملی به صحنه آمد و سعی کرد "سوء تفاهم با آیت ا... (امام) خمینی را برطرف کند"

۲۸ مرداد ۱۳۵۷

رژیم با برپایی حادثه دلخراش سینما رکس آبادان در این روز غمناک قریب به هفتصد نفر مرد وزن و کودک را در آتش سوزاند تا مردم را علیه روحانیت مبارز وادارد.



۳۱ شهریور ۵۷ عید فطر

نماز با شکوه عید فطر تهران و راهپیمایی عظیم بعد از آن اعلام شکست و نافرجامی دولت "آشتی ملی" شریف و نمایش قدرت و تبلور اراده مردم بود

۱۷ شهریور ۵۷ جمعه سیاه

جتماع عظیم مردم در خیابان ها با وجود تهدید دولت به

بر خورد خشونت امیز

.... در این روز مردم یکبار دیگر اوج تازه ای از ایثار گریهای خویش را منصفه ظهور رساند و با به جا گذاردن چندین هزار شهید بر پیوند خویش با رهبر انقلاب تاکید کردند. هفده شهریور روز تجلی ایمان و اراده ملت و حماسه آفرینیهای گسترده مردم نقطه عطفی در تاریخ پر تلاطم و خونین انقلاب بود.

۱۱ مهر ماه ۱۳۵۷

عزیمت امام از عراق به سوی کویت

با اشتعال آتش انقلاب در ایران سازمان امنیت عراق با تصمیم مشترک رژیمهای حاکم خانه امام در نجف را در محاصره گرفتند و از ارتباط روحانیت و مردم با ایشان جلوگیری کردند. لذا امام با اجبار به ترک عراق عازم کویت شدند. ولی دولت کویت از ورود ایشان جلوگیری نمود.

۱۳ مهر ۱۳۵۷

هجرت امام خمینی به پاریس

پس از ممانعت کویت از ورود امام و پخش این خبر که امام در یک کشتی استیجاری در آب های بین المللی اقامت خواهند فرمود دولت فرانسه با عزیمت ایشان به خاکش موافقت کرد و امام در ۱۳ مهر با هجرت به فرانسه و اقامت در دهکده ای نزدیک پاریس به نام "توفل لوشاتو" انقلاب را به مرحله جدیدی هدایت کردند ملت ایران با شور و اشتیاق فراوان از طریق روحانیون بزرگی مانند شهید بهشتی شهید مطهری شهید صدوقی و بسیاری از شخصیت های ارزنده و صدیق با رهبر خود در تماس بود.

۱۶ مهر ۵۷

۵۷ پیام امام به طلاب دانش آموزان و دانشجویان

ای فرزندان ایران پیوندتان را با ملت بزرگمان که تنها می خواهد روی پای خود بایستد و هیچگونه گرایشی به شرق و غرب نداشته باشد و به همین مناسبت مورد هجوم چپ و راست قرار گرفته است و هر روز شاهد کشتار دسته جمعی آنان به دست شرق و غرب هستیم مستحکمتر کنید.

۱۳ آبان ۵۷

هفته همبستگی دانش آموزان و دانشجویان در این روز در دانشگاه تهران به شکل وحشیانه ای به خاک و خون کشیده شد. دامنه تظاهرات که به خیابانهای اطراف سرایت کرد ۶۵ شهید و صدها مجروح به جای گذاشت. فاجعه ۱۳ آبان از طرف رژیم بر نامه ریزی شده بود تا به بهانه آن شریف امامی که قادر به انجام "اصلاحاتی" نبود از کار برکنار گردد. کژیبه